



Telling Campfire Stories (Int.)

About this lesson

در این درس شما می آموزید که چگونه

- یک داستان وحشتناک بسازید -
- کنجکاوی را در یک داستان وحشتناک بوجود بیاورید -
- در آن موضوعاتی وحشتناک چون اشباح، گورستان و روح را بیاورید -
- از کلمات صوتی برای توصیف صداها و داستان استفاده کنید -

Scary stories

داستان های ترسناک، فیلم های وحشتناک، و داستانهای افسانه‌ای قدیمی بخش بزرگی از فرهنگ عامه آمریکا را تشکیل میدهد. از نویسندگان مشهور آمریکائی داستان های ترسناک می توان "ادگار آلن پو" و "استفان کینگ" را نام برد. به عنوان یک سنت، داستان های ترسناک را هنگامی که کودکان دور آتش پیک نیک جمع می شوند یا در مهمانی هائیکه شب را با هم سپری میکنند برای آنها تعریف می کنند. داستان های وحشتناک آمریکایی با سایر داستان های وحشتناک متفاوت است. از آن جهت که این داستان ها به سوی نمایش صحنه های خون آلود و نشان دادن حمله به قربانیان گرایش دارند.

هالووین یکی دیگر از روزهای تعطیل مورد علاقه آمریکایی ها است که در آن بچه ها لباس هایی به اشکال مختلف می پوشند و به در خانه های همسایگان خود می روند و در می زنند و به آنها آب نبات و شکلات داده می شود وقتی بچه ها فریاد میزنند "تریک اور تریت عبارتیست که به درستی معلوم نیست از کجا آمده است) معمولاً در شب "هالووین"، آمریکایی ها از کدو حلوايي ("trick or treat" فانوس هایی درست می کنند و جلوی در خانه های خود یا پشت پنجره هایشان قرار می دهند. بزرگسالان این روز تعطیل را با دیدن فیلمهای ترسناک و یا رفتن به میهمانی با لباسهای مخصوص هالووین ارج میگذارند.

It was a dark and stormy night

It was a dark and stormy night.

یک شب تاریک و طوفانی بود.

It was dusk when they reached home.

وقتی آنها به خانه رسیدند نزدیک غروب بود.

There once was a haunted house.

زمانی در آنجا یک خانه ارواح بود.

There was a spooky noise coming from the other room.

در آنجا صدای شبح بود که از اتاق دیگری می آمد.

It was rumored that ghosts came out at night.

شایع شده بود که اشباح شبها از آنجا بیرون می آیند.

Sensory verbs

داستان های ترسناک از کلمه های حسی زیاد استفاده می کنند به خصوص کلمه هایی که مربوط به دیدن و شنیدن می شود. شما احتمالا تا کنون با آنها آشنائی پیدا کرده باشید، با اینحال این هم یک مرور سریع :

They **looked** over to the left.

اونها به چپ نگاه کردن .

They **saw** a man approach from the other side of the room.

آنها یک مرد را دیدند که از طرف دیگر اتاق نزدیک میشد .

They **watched** as the man came closer.

آنها همینطور که مرد نزدیک میشد نگاه می کردند .

They **heard** the wind blowing against the house.

آنها صدای باد را که بسوی خانه زوزه می کشید می شنیدند .

They **listened** intently to the old man's story.

آنها با دقت به داستان مرد سالخورده گوش می دادند .

Adding suspense

All of a sudden, they heard footsteps from above.

یک باره، آنها صدای قدم زدن فردی از طبقه بالا بگوششان رسید .

Just then, they saw a light go on in the next room.

درست همان موقع، آنها دیدند که نوری وارد اتاق بغلی شد .

They **frantically** ran for the door, but **it was no use**.

دیوانه وار به طرف در دویدند، ولی فایده ای نداشت .

And with that, they heard the noise **grow louder**.

و همینطور صدا بلند تر می شد .

To their surprise, a little girl entered the room.

آنها با تعجب یک دختر کوچولو رو دیدند که وارد اتاق شد .

Loud noises

They heard a loud **creaking** noise.

یک صدای غژ غژ بلند شنیدند .

Someone starting **banging** on the wall.

یک نفر شروع کرد به کوبیدن دیوار .

They kept hearing a **thumping** sound.

آنها مرتب صدای تلب تلب می شنیدند .

Suddenly, someone **screached** loudly.

ناگهان یکی **جیغ** بلندی **کشید** .

"It must be the wind," they said to each other.

"آنها به هم گفتند " امکان دارد صدای باد باشد .

Creepy spirits

داستان هایی که دور آتش گفته می شود معمولاً مضمون مشترکی دارند مانند اشباح، خانه تسخیر شده توسط ارواح، مکان های تاریک، و صداهای ناگهانی. راویان داستان همچنین از کلمه هایی مانند وحشت زاء، وهم آور، شیخ وار و وحشت زده، برای ترسناک تر کردن داستان استفاده می کنند.

One night they were walking through a dark, **eerie** forest.

یک شب آنها داشتند از یک جنگل تاریک و **وهم آور** می گذشتند .

They saw a single **grave** in the middle of a **cemetery**.

آنها یک **قبر** تنها در وسط **گورستان** دیدند .

Terrified, they turned and ran away from the **spirit**.

وحشت زده برگشتند و از **روح** فرار کردند .

But the **phantom** followed them into the house.

ولی **شیخ** به دنبال آنها به داخل خانه رفت .